روایت یک رژه تاریخی در ۵۶ سال پیش

پرچمی که به پرچمدار نرسید

یادبود
محسن آجرلو @mosenajorloo

هفدهم دی ماه روز بخصوصی در ورزش ایران است. روزی که افتخارآفرینی و اتفاق خوبی را در خود ندارد و یادآور یک اتفاق تلخ و باورنکردنی است. با این حال بهانه‌ای است برای نوشتن و پرداختن به یکی از خاص‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر و شاید بدون شک سمبولیک‌ترین نماد تاریخ ورزش ایران؛ غلامرضا تختی. ورزشکار بزرگ و پرافتخاری که بعدها برایمان «جهان پهلوان» شد و «اسطوره»ای که دوستش داریم و برای ما نماد پهلوانی در عین قهرمانی و صد البته اخلاق است.

هفدهم دی ماه روز بخصوصی است چون خود تختی هم آدم خاص و کمیابی بود. اصلاً همین که حالا و پس از ۵۳ سال همچنان انگیزه و اشتیاق پرداختن به او وجود دارد و طالبان خواندن از این چهره ماندگار هم دیده می‌شود، نشانه‌ای از بزرگی و جایگاه خاص او در تاریخ ورزش و فرهنگ ایران است.

بعد از ۵۳ سال نوشتن از تختی، شاید اینطور به نظر برسد که دیگر زاویه پنهان و حرف نگفته‌ای درباره‌اش وجود ندارد. در این سال‌ها چیزهایی که شاید انتشارشان وجهه خوبی هم نداشت، درباره‌اش منتشر شد اما همانطور که گفتیم، تختی خاص است و کوچکترین اتفاق‌های زندگی آدم‌های اینچنینی هم می‌تواند جالب و خواندنی باشد. چیزی شبیه به ماجرایی که در این صفحه می‌خواهیم به آن بپردازیم.

بهانه امسال ما برای نوشتن از تختی، یافتن پاسخی برای این سؤال است که «چرا تختی هیچ‌گاه در بازی‌های المپیک پرچمدار کاروان ایران نشد؟»

غلامرضا تختی در المپیک‌های ۱۹۵۲ هلسینکی، ۱۹۵۶ ملبورن، ۱۹۶۰ رم و ۱۹۶۴ توکیو حاضر بود و یکی از معدود ورزشکاران زمان خود بود که در چهار المپیک حاضر شد. با یک طلا و دو نقره هم یکی از پرافتخارترین‌ها بود اما هیچ‌گاه پرچمدار کاروان ایران در المپیک نبود. اتفاق عجیبی که به بهانه پنجاه و سومین سالمرگ او می‌خواهیم درباره‌اش بنویسیم و به چرایی‌اش بپردازیم.

رد یک باور غلط

انتخاب تختی به عنوان پرچمدار کاروان ایران در المپیک، آنقدر محتمل و محرز به نظر می‌رسد که خیلی‌ها گمان می‌کنند اتفاق افتاده. به همین خاطر هم وقتی چند سال پیش عکس او در یک مراسم رژه به همراه پرچم ایران منتشر شد، به پرچمداری او در المپیک ۱۹۵۶ نسبت داده شد و برای خیلی‌ها هم باورپذیر بود. با این حال حقیقت اینجاست که پرچم ایران در آن بازی‌ها در دستان محمود نامجو به اهتزاز درآمد و تختی هیچ‌گاه پرچمدار کاروان ایران نبوده؛ نه در المپیک ملبورن و نه در سه المپیک دیگری که در آنها حضور داشته است.

احترام تختی‌وار

در بازی‌های المپیک ۱۹۵۶ ملبورن، امامعلی حبیبی و غلامرضا تختی اولین و دومین مدال طلای تاریخ ورزش ایران در المپیک را کسب کردند. اتفاقی بزرگ و تاریخی که باعث می‌شد اولین کاندیدا برای به دست گرفتن پرچم ایران در بازی‌های ۱۹۶۰ باشند. در این میان تختی با قامت بلند و فیزیک بهتری که داشت، انتخاب اول مدیران ورزشی وقت ایران بود و قرار بر این شد که پرچمدار کاروان ایران در بازی‌های المپیک ۱۹۶۰ در شهر رم باشد. با این حال خودش تصمیم گرفت که به احترام کسوت، پرچم را به «جعفر سلماسی» بسپارد و از این افتخار بزرگ چشمپوشی کند، آن هم در شرایطی که خیلی‌ها فکر می‌کردند با ۳۰ سال سن، این آخرین حضور او در المپیک است!

پرچمی که از دست تختی گرفته شد

المپیک رم پایان کار تختی در بازی‌های المپیک نبود. او در حوالی ۳۴ سالگی قرار بود برای بار چهارم حضور در المپیک را تجربه کند. این بار باسابقه‌ترین و شاید هم شناخته‌شده‌ترین ورزشکار کاروان ایران بود و باز هم اولین انتخاب برای به دست گرفتن پرچم ایران؛ انتخابی که تا روز و دقایق پایانی قبل از رژه هم برقرار بود اما در یک اتفاق عجیب پرچم را از او می‌گیرند.

درباره این ماجرا حرف و حدیث‌های بسیاری وجود دارد. با این حال اینطور به نظر می‌رسد که اختلاف‌نظرهایی بین مسئولان ورزش و بخشی از دربار وجود داشته که در نهایت منجر به این اتفاق می‌شود. پرچمی که از دست تختی گرفته می‌شود، به عبدالله موحد پیشنهاد می‌شود و پس از نپذیرفتن او (به خاطر احترام به تختی)، به دست «نصرت‌الله شاهمیر» می‌افتد که در آن زمان رئیس فدراسیون شنا بوده و صد البته یکی از بستگان فرح پهلوی!

به همین سادگی پرچمداری کاروان ایران در المپیک ۶۴ توکیو هم از تختی گرفته می‌شود؛ المپیکی که می‌توانست تختی را به تنها ورزشکار تاریخ ایران (حتی تا به امروز) تبدیل کند که ۴ مدال المپیک دارد. اتفاقی که نیفتاد و خیلی‌ها معتقدند یکی از ضربه‌های اصلی روحی که مانع از مدال‌آوری او در توکیو شد، همین ماجرای گرفتن پرچم از او در روز افتتاحیه بوده است. تختی در المپیک ۱۹۶۴ توکیو با یک برد و یک مساوی چهارم شد و از یکقدمی مدال برگشت، آن هم از تورنمنتی که تشک‌هایش آخرین حضور جهان پهلوان در یک مسابقه رسمی را به خود دیدند.

انتخاب سیاسی در دل ورزش

نگاه
آزاده پیراکوه @Apirakouh

انتخاب پرچمدار برای کاروان‌های اعزامی به المپیک همیشه ماجراهای خاص خودش را داشته و در هر دوره‌ای یک بهانه باعث شده پرچم ایران به دست یکی از اعضای کاروان داده شود. شاید اینطور تصور شود که این پرچم همیشه در دست ورزشکاران بوده اما دوره‌هایی در تاریخ ورزش ایران است که افرادی غیر از ورزشکاران پرچمدار ایران در المپیک بوده‌اند. از مسئول انجمن ارتش گرفته تا یک روزنامه‌نگار و رئیس فدراسیون که این رویه تا ۱۹۷۶ ادامه پیدا کرده است. اگرچه از این تاریخ به بعد دیگر عضویت در کاروان کفایت نکرده و پرچم ایران به دست ورزشکاران داده شده است. البته در همین مسیر هم باز صرفاً «چهره شاخص ورزشی بودن»، کفایت نکرده و عوامل دیگری در انتخاب ورزشکاران مطرح بوده‌اند. مثل این روزها که موضوع «زن بودن» به یک معیار برای انتخاب پرچمدار کاروان ایران تبدیل شده است. تبلیغات منفی زیادی در رابطه با سیاست‌های کشور در مورد زنان وجود دارد و مسئولان ورزش که البته حتماً در زمان انتخاب مشورت‌هایی با مسئولان بالاتر از حوزه ورزش دارند، به این نتیجه رسیده‌اند که با سپردن پرچم به دست زنان ایران می‌توانند به همه دنیا بگویند که زنان در ایران مورد توجه هستند و برابر با مردان دیده می‌شوند؛ سیاستی که به نظر می‌رسد خیلی هم به کار نیامده است. لیدا فریمان، هما حسینی و زهرا نعمتی، زنانی بودند که به پشتوانه این نگاه پرچمدار کاروان شدند که جز زهرا نعمتی آن هم به خاطر اینکه توانست سهمیه حضور در المپیک را بگیرد، بقیه خیلی دیده نشدند. به هر حال موضوع پرچمدار همیشه مهم بوده و به همین خاطر حواشی زیادی در زمان انتخاب یا در زمان افتتاحیه المپیک‌ها و بازی‌های آسیایی پیش آمده و تبعاتی را به همراه داشته است. مثل همین المپیک ۱۹۶۴ که درباره‌اش نوشتیم؛ حقی که از تختی سلب شد و دیگر هیچ کدام از ورزشکاران ایران حاضر نشدند پرچم ایران را در افتتاحیه توکیو حمل کنند؛ موضوعی که بعید است دیگر تکرار شود و ورزشکاران حاضر باشند به خاطر فردی که می‌دانند شایسته‌تر است به حمل پرچم، «نه» بگویند.

موحد: گفتم در حضور تختی پرچم را نمی‌گیرم

ماجرای گرفتن پرچم از غلامرضا تختی که به هدف تخریب چهره او در آن زمان انجام شده بود، ظاهراً نه تنها مسئولان وقت را به هدفشان نمی‌رساند، بلکه باعث محبوبیت تختی در بین هم‌تیمی‌هایش هم می‌شود.

عبدالله موحد که در المپیک ۱۹۶۴ همانند تختی نتوانست به موفقیت برسد، درباره گرفته شدن پرچم از بزرگ ورزش ایران در آن زمان گفت، در شأن تختی نبود که به آن شکل با او برخورد شد: «رفتار زشت و زننده‌ای بود. حالا تصمیم سیاسی بود یا هر موضوع دیگری اما نباید آن کار را با تختی می‌کردند. تیم را به هم ریختند و همین هم باعث شد تا کاروان ایران بازی‌ها را در حالی شروع کند که اصلاً شرایط روحی خوبی نداشت.»

او در پاسخ به اینکه چرا پرچم به رئیس فدراسیون شنا رسید، ادامه داد: «بعید بود شخص دیگری قبول کند. همه کاروان از تختی حمایت کردند. به خود من هم گفتند اما قبول نکردم. کار زشتی بود؛ تختی شخصیتی بود که همه مردم دوستش داشتند. به خاطر همین هم وقتی پرچم را از تختی گرفتند و به من پیشنهاد دادند قبول نکردم و گفتم که در حضور تختی من پرچمداری کاروان را قبول نمی‌کنم. بعد پرچم را دادند به کسی که از مسئولان فدراسیون شنا بود.» عبدالله موحد درباره اینکه چرا با تختی این رفتار انجام شد؟ گفت: «واقعاً نمی‌دانم چه اتفاقاتی رخ داده بود اما تختی از کشتی فاصله گرفته بود و قرار هم نبود که در توکیو حضور داشته باشد اما به هر شکل آمد ولی رفتار خوبی با او نشد. تختی چهره ویژه‌ای بود، بخصوص که در سه المپیک قبلی به فینال رسیده بود و با یک طلا و دو نقره نشان داده بود، می‌تواند به مدال چهارم هم برسد اما چنین نشد.»

سیف‌پور: تختی برای پرچمداری المپیک هم فداکاری می‌کرد

مصاحبه
ناصر انصافی مقدم

محمدابراهیم سیف‌پور از دوستان، یاران و هم‌تیمی‌های جوانتر جهان پهلوان غلامرضا تختی در مقایسه با بسیاری از قدیمی‌ترهای هم‌تیمی تختی است که اغلب آنها اینک در پنجاه و سومین سالگرد درگذشت پهلوان نامی ایران در قید حیات نیستند تا به مناسبت سالمرگ درگذشت وی سخنی بگویند.

از آن جمع قدیمی‌ترهایی که با آقا تختی همدوره و هم‌تیمی و با آن بزرگوار هم‌سن و سال بودند اکنون فقط سه نفر به نام‌های محمود ملاقاسمی ۹۲ ساله، محمدمهدی یعقوبی و امامعلی حبیبی ۹۰ ساله هم اکنون در قید حیات هستند و بقیه دارفانی را وداع گفته‌اند.

«خیرالله امیری» کشتی‌گیر سنگین وزن در واقع آخرین حریف داخلی جهان پهلوان تختی در کشتی آزاد و کشتی پهلوانی بود که حدود سه ماه پیش دارفانی را وداع گفت و به دیدار حق شتافت. پهلوان خیرالله امیری در مسابقه‌های جهانی ۱۹۶۶ تولید و آمریکا، هم‌تیمی آقا تختی و از جمله همدوره‌های او بود که هر سال به احترام روح بلند جهان پهلوان تختی، بدون استثنا و تحت هر شرایطی بدون هرگونه ریا و تظاهر در مراسم سالگرد درگذشت تختی در ابن بابویه شهرری شرکت می‌کرد. اشاره کردیم که محمدابراهیم سیف‌پور از یاران و هم‌تیمی‌های جوانتر جهان پهلوان تختی است. سیف‌پور ۸۳ ساله در کنار افرادی چون محمدعلی صنعتکاران، منصور مهدی‌زاده، پرویز عرب، عبدالله موحد و... جزو یاران و هم‌تیمی‌های جوانتر جهان پهلوان تختی محسوب می‌شوند که خوشبختانه جملگی در قید حیات و هر کدام بین ۸۲ و ۸۳ سال سن دارند. سیف‌پور درباره خاطرات خود از جهان پهلوان تختی می‌گوید: «من از مسابقه‌های جهانی ۱۹۵۹ تهران تا بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو با آقا تختی هم‌تیمی بودم، تختی حتی می‌توانست در مسابقه‌های جهانی ۱۹۶۵ منچستر انگلیس که تیم ایران با پنج مدال طلا برای دومین بار قهرمان جهان شد، هم‌تیمی ما باشد اما آسیب دیدگی او مانع از آن شد که بتواند در کنار مادر این مسابقه‌ها حضور پیدا کند و در قهرمانی تیم ایران شریک شود. زندگی کردن و هم‌تیمی بودن با تختی همواره برای همه ما خاطره بود و این خاطرات هرگز تکرار نخواهد شد، خاطراتی که برای من عین پرده سینما می‌ماند و بعد از جلوی چشمم کنار می‌رود!»

او درباره المپیک ۱۹۶۰ رم و پرچمداری تختی که البته به سلماسی رسید هم توضیح کوتاهی می‌دهد: «هیچ مسأله‌ای پشت این قضیه نبود، تختی از خودگذشتگی و فداکاری کرد و به خاطر کسوت جعفر سلماسی که از او خیلی بزرگتر بود و اولین مدال ورزش ایران را در بازی‌های المپیک ۱۹۴۸ لندن گرفته بود، پرچم کاروان ایران را به او سپرد. من در دو المپیک ۱۹۶۰ رم و ۱۹۶۴ توکیو همراه تختی بودم و دیدم که او پرچم ایران را با از خودگذشتگی به دیگران سپرد، برای اینکه نمی‌خواست جلوی چشم همه باشد و خودش را به همه نشان دهد.»

محمد ذهتاب: حرمت بزرگی تختی را در المپیک توکیو حفظ نکردند

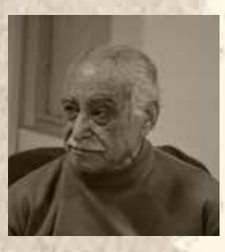

محمد ذهتاب یکی از اساتید و بزرگان حوزه فنی و داوری وزنه‌برداری ایران به شمار می‌رود. او اولین سرمربی ایرانی تاریخ وزنه‌برداری است که در دوره مربیگری خود، هدایت فنی چهره‌های ماندگار و ستاره‌های بزرگ این رشته المپیکی همچون محمد نصیری، نصرالله دهنوی، مرحوم پرویز جلایر، داود علی ملکی و... را در کارنامه پرافتخار ورزشی خود دارد. استاد ذهتاب که در بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو به عنوان مربی هدایت تیم ملی وزنه‌برداری کشورمان را برعهده داشته و همراه زنده‌یاد جهان پهلوان غلامرضا تختی بوده، تأکید دارد که سیستم مدیریتی و سیاسی وقت ورزش ایران در بازی‌های توکیو با گرفتن امتیاز پرچمداری از مرحوم تختی، ضربه بدی در این رویداد به این چهره ماندگار و مردمی زد و باعث شد تختی در توکیو نتواند چهارمین مدال المپیکی خود را کسب کند.

محمد ذهتاب با بیان اینکه او شاهد گرفتن امتیاز پرچمداری از مرحوم غلامرضا تختی در مراسم رژه بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو بوده، تأکید دارد که سیستم وقت مدیریتی ورزش به خاطر سیاسی‌کاری حتی حرمت بزرگی غلامرضا تختی را در توکیو حفظ نکرد: «من در طول دوره ورزشی‌ام که سال‌ها افتخار همراهی و بودن کنار ستاره‌های بزرگ ورزش ایران خصوصاً وزنه‌برداری را داشتم، تنها در بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو افتخار همراهی با مرحوم جهان پهلوان غلامرضا تختی را داشتم اما حیف که در بدترین وضعیت روحی و روانی که برای این بزرگمرد در توکیو ایجاد شد، کنارش بودیم.» ذهتاب با بیان اینکه واقعاً همه ما در توکیو برای اتفاق تلخی که باعث شد پرچمداری از تختی سلب شده و به شاهمیر رئیس وقت فدراسیون شنا سپرده شود، از صمیم قلب ناراحت شدیم، در این مورد تأکید دارد: «خاطرم هست من آن موقع کنار آقای بختیار که رئیس وقت فدراسیون وزنه‌برداری بودند حضور داشتم. وقتی ماجرای غلامرضا تختی و تغییر دقیقه نودی پرچمدار کاروان ایران در مراسم رژه را شنیدیم، خیلی ناراحت شدیم. همان موقع آقای بختیار سراغ «ایزدپناه» سرپرست کاروان ایران رفت تا اصل ماجرا را از او جویا شود. گویا ایزدپناه به آقای بختیار گفته بود که از تهران نامه‌ای محرمانه به دستش رسیده که بدون چون و چرا امتیاز پرچمداری را از تختی بگیرند و پرچمداری را به مهندس شاهمیر بسپارند. آنها هم چاره‌ای جز اطاعت نداشتند و این کار را طبق دستور انجام دادند. نهایتاً همین اتفاق تلخ هم باعث شد از نظر روحی آقا تختی ضربه شدیدی بخورد و با شکست به کارش در المپیک توکیو خاتمه دهد. واقعاً همه ما ناراحت بودیم که چرا حرمت بزرگی آقا تختی در المپیک توکیو حفظ نشد.»

المپیک ژاپن پرچم را از دست تختی گرفتند و به شاهمیر دادند

نصیری: «آقا تختی» اجازه نداد رژه را تحریم کنیم

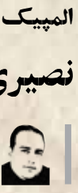

گفت‌وگو
رضا عباسپور @rez7462

اگرچه از نظر سنی محمد نصیری فوق ستاره سبک‌وزن وزنه‌برداری ایران تقریباً ۱۵ سال از زنده‌یاد جهان پهلوان غلامرضا تختی کوچکتر بود اما خود نصیری تأکید دارد که در بین اهالی ورزشی، رابطه او و غلامرضا تختی مثل رابطه دو برادر خونی بوده و تختی رفیق صمیمی او بوده. محال است کلام یا جمله‌ای از جهان پهلوان تختی به زبان محمد نصیری جاری شود و جز صفات پهلوانی، اخلاقی و مردی و مردانگی چیزی در آن نهفته باشد. به همین دلیل در سالگرد وفات جهان پهلوان غلامرضا تختی و به بهانه شفاف‌سازی برخی نقاط مبهم و مغفول مانده در ماجرای تغییر دقیقه نودی پرچمدار کاروان ورزش ایران در بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو (گرفتن پرچمداری از غلامرضا تختی و دادن پرچم به دست نصرالله شاهمیر رئیس وقت فدراسیون شنا) به سراغ رفیق قدیمی و صمیمی مرحوم تختی یعنی محمد نصیری رفتیم که اتفاقاً در بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ ژاپن نیز جزو کاروان اعزامی ایران در رشته وزنه‌برداری بود و کاملاً از جزییات آن واقعه تاریخی تلخ مطلع بود.

دل آقا تختی را در توکیو شکستند!

وقتی از محمد نصیری درباره نقاط مبهمی که در مراسم رژه کاروان ورزش ایران در بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو و همراهی او با زنده‌یاد جهان پهلوان غلامرضا تختی در این دوره از بازی‌ها اتفاق افتاده، سؤال می‌پرسیم، او با لحنی شیرین که خاص نصیری است، تأکید دارد که المپیک توکیو نخستین تجربه المپیکی او و البته به یادماندنی‌ترین تجربه این قهرمان پرآوازه کشورمان همراه با آقا تختی است. نصیری در مورد نقاط گنگ و مغفولی که در مورد ماجرای تغییر دقیقه نودی پرچمدار کاروان ورزش ایران در مراسم رژه المپیک ۶۴ توکیو به یاد دارد، می‌گوید: «دقیقاً خاطرم هست این المپیک (توکیو) اولین المپیکی بود که من افتخار حضور در آن را داشتم اما آقا تختی با کوله‌باری از مدال و افتخار در این المپیک جزو شاخص‌ترین چهره‌های حاضر در این دوره از بازی‌ها بود. خاطرم هست که از سوی مقامات آن دوره خود «آقا تختی» به عنوان پرچمدار برای مراسم رژه انتخاب شده بود. همه ما هم از این اتفاق که بزرگمردی مثل او قرار است پرچمدار کاروان ما باشد، خوشحال و راضی بودیم اما به یکباره وقتی شنیدیم که از تهران دستور رسیده تا امتیاز پرچمداری از مرحوم تختی گرفته شده و به آقای «نصرالله شاهمیر» که آن زمان رئیس فدراسیون شنا بود، داده شود من و خیلی از بچه‌های حاضر در کاروان ورزش ایران ناراحت شدیم و تصمیم گرفتیم به خاطر این اتفاق تلخ و باور نکردنی مراسم رژه را تحریم کنیم و در رژه حاضر نشویم.»

نصیری ادامه می‌دهد: «آن موقع خاطرم هست تصمیم ما برای اعتصاب و تحریم مراسم رژه چون پرچم را از دست آقا تختی گرفته بودند، خیلی جدی بود و قصد تغییرش را هم نداشتیم. حتی با وجود اینکه می‌دانستیم اگر در رژه شرکت نکنیم، قطعاً جرایم و محرومیت‌های سنگینی هم برای ما در نظر گرفته می‌شود، باز هم این موضوع برایمان اهمیتی نداشت. اتفاقاً همانجا در توکیو هم تهدید شدیم که اگر در رژه حاضر نشویم برخورد جدی با ما صورت می‌گیرد اما باز هم گوشمان بدهکار نبود چون آقا تختی بزرگ ما و کاروان ورزش ایران بود و این برای ما خصوصاً من به عنوان کسی که خیلی به مرحوم غلامرضا تختی نزدیک بودم سنگین و غیرقابل هضم بود. یادم هست وقتی آقا تختی از نیت ما باخبر شده بود، در محلی که بودیم، پیش ما آمد و کلی به من و بقیه بچه‌هایی که تصمیم داشتیم اعتصاب کنیم، تشر زد که به هیچ وجه نباید اعتصاب کنیم و حتماً باید در مراسم رژه که آبروی ورزش ایران است، حاضر شویم. خدا رحمتش کند، این مرد به قدری دل بزرگ و قلب مهربانی داشت که در عین حال که ما می‌دانستیم چقدر ناراحت است از اینکه پرچمداری را از او گرفتند اما جلوی ما طوری رفتار می‌کرد که ما شرایط روحی و روانی‌مان برای حضور در مراسم رژه و مسابقات به هم نریزد. البته خب در المپیک توکیو همین موضوع روحیه جهان پهلوان تختی را به هم ریخت و باعث شد تا او نتواند چهارمین مدال المپیکی خود را در این رویداد بزرگ کسب کند.»

نصیری در مورد روحیات و خلق و خوی جهان پهلوان غلامرضا تختی معتقد است: «فقط یک جمله بگویم، هر آنچه خوبی، خلوص نیت و مرام و معرفت بود در وجود این بزرگمرد یعنی آقا تختی یکجا جمع شده بود. آدم وقتی کنار آقا تختی بود، حس می‌کرد پشتش به کوه گرم است. خیلی حیف شد، ما این بزرگمرد را خیلی زود از دست دادیم. یادش گرامی و خاطرش همیشه سبز باشد.»

علی‌اکبر حیدری:

تختی گفت به خاطر مردم آمده‌ام، پرچم را می‌خواهم چکار؟

نقل قول
محسن وظیفه

المپیک ۱۹۶۴ توکیو یکی از ضعیف‌ترین دوره‌ها برای ورزش ایران بوده، آن هم در شرایطی که بزرگانی همچون غلامرضا تختی، محمدعلی صنعتکاران، منصور مهدی‌زاده و عبدالله موحد در ترکیب تیم ملی حضور داشتند اما فقط دو مدال برنز حاصل کار کشتی‌گیران (علی‌اکبر حیدری و محمدعلی صنعتکاران) و کل کاروان ایران بود. نتیجه‌ای که علی‌اکبر حیدری دلیل آن را بد رفتاری با تختی می‌داند: «غلامرضا تختی بزرگ تیم ملی کشتی آزاد و کاروان ورزشی ایران بود. او حکم کاپیتان را برای تیم ملی و کاروان را داشت اما رفتار زشت و زننده‌ای با او شد که کل کاروان را به هم ریخت.» دارنده مدال برنز المپیک در مورد مراسم روز رژه از گرفته شدن پرچم کاروان از دست تختی، این چنین ماجرا را تعریف می‌کند: «ایزدپناه رئیس وقت سازمان تربیت بدنی بود اما خب او هم کاره‌ای نبود از مقامات بالاتر به او دستور داده بودند. روز عجیبی بود؛ همه با اتوبوس راهی ورزشگاهی که قرار بود مراسم افتتاحیه در آن برگزار شود، شدیم. صف تشکیل شد اما به یکباره آمدند و گفتند که آقای تختی شما باید پرچم را به فرد دیگری بدهید! پرچم را گرفتند و دادند به دست رئیس وقت فدراسیون شنا اما همه تیم و همه کاروان در شوک این تصمیم بودند.» او در پاسخ به این سؤال که چرا سایر ورزشکاران از تختی حمایت نکردند، گفت: «کاری از دست کسی برنمی‌آمد. تصمیمی بود که اتخاذ شده بود. البته خود تختی به این موارد واقعاً اهمیت نمی‌داد اما واقعیت ماجرا این است که کل کاروان تصمیم گرفتند که مراسم را ترک کنند. گفتند در رژه شرکت نمی‌کنیم، مسابقه هم نمی‌دهیم. خوب یادم هست که حمید جاسمیان، محمد نصیری، نصرالله دهنوی و باغبانباشی از جمله چهره‌های شاخصی بودند که در حال اعتراض به این ماجرا بودند اما خود تختی جلو آمد، همه را آرام کرد و خواست که همه در مراسم رژه شرکت کنند.»

حیدری با اشاره به شرایط تختی در آن موقعیت ادامه داد: «مرام و مسلک تختی این نبود که سر پرچم قهر کند. حتی اگر از او نمی‌گرفتند هم خودش می‌داد کسی دیگر این پرچم را به دست بگیرد. مثل سال ۶۰ که پرچم را داد به سلماسی و گفت شما از من بزرگتر هستید؛ بنابراین شما باید این پرچم را در دست بگیرید. مطمئن هستم که در المپیک ۶۴ هم پرچم را از او نمی‌گرفتند باز هم پرچم را می‌داد به فرد دیگری ولی با این حال آن رفتار، تختی را به هم ریخت. نه تنها تختی بلکه کل تیم و کاروان را به هم ریخت؛ او در دل همه مردم و ورزشکاران جا داشت ولی با وجود این همه ناراحتی آمد و به اعضای کاروان گفت که من اصلاً المپیک هم نمی‌خواستم بیایم ولی مردم از من خواستند در این المپیک هم باشم. از شما هم می‌خواهم به خاطر مردم تلاش کنید تا بهترین نتیجه حاصل شود.»